

Evaluation of the argument of consciousness for the existence of God

Mohammad Zandy

The explanation of why and how consciousness arises in the physical world and also the regular relationship of mental states with physical states are one of the most difficult philosophical topics to be considered in contemporary philosophy of mind. The naturalistic and physicalist attitude of most philosophers of the mind has led to the idea that the field and especially the issue of consciousness is very challenging. In the meantime, some philosophers of religion also have proposed a kind of theistic hypothesis as a theory to explain consciousness and other mind-body issues as an argument for the existence of God.

پایگاه اطلاعات علمی ایران



دانشگاه باقرالعلوم

دانشگاه باقرالعلوم
دانشکده فلسفه و اخلاق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

**بررسی برهان آگاهی
بر اثبات وجود خدا**

استاد راهنما:

دکتر سید محمود موسوی

استاد مشاور:

دکتر محمدجواد اصغری

دانشجو:

محمد زندی

زمستان ۱۳۹۶

با سپاس بی‌حد از:

آقای دکتر موسوی که عهده‌دار راهنمایی این پژوهش بودند؛
آقای دکتر اصغری که زحمت مشاوره پژوهش را متقبل شدند؛
همه دوستان و عزیزانی که، مستقیم یا غیرمستقیم، سهمی در به انجام رسیدن این
پژوهش داشتند؛
و خانواده عزیزم که همواره مایه دلگرمی‌ام بوده و هستند.

فهرست مطالب

چکیده

فصل ۱: کلیات و مفاهیم

۱-۱. کلیات

۱-۱-۱. بیان مسأله:

۱-۱-۲. پرسش اصلی پژوهش:

۱-۱-۳. پرسش‌های فرعی پژوهش:

۱-۱-۴. اهمیت مسأله و ضرورت تحقیق:

۱-۱-۵. پیشینه پژوهش:

۱-۱-۶. نوآوری پژوهش:

۱-۱-۷. اهداف پژوهش:

۱-۱-۸. فرضیه‌های پژوهش:

۱-۱-۹. پیش فرض‌های پژوهش:

۱-۱-۱۰. نوع پژوهش:

۱-۱-۱۱. روش انجام پژوهش:

۱-۱-۱۲. روش گردآوری اطلاعات:

۱-۱-۱۳. سازمان‌دهی پژوهش:

۲-۱. مفاهیم

۲-۱-۱. خدا

۲-۱-۲. برهان

۲-۱-۳. استدلال قیاسی و استدلال استقرایی

۲-۱-۴. تبیین

..... ۱-۲-۵. آگاهی

..... ۱-۲-۶. برهان آگاهی

..... ۱-۲-۷. دوگانه‌انگاری صفاتی

..... ۱-۲-۸. طبیعت‌گرایی و فیزیکالیسم

..... ۱-۲-۹. اصل بستر علی

..... ۱-۲-۱۰. کیفیات ذهنی و حالات ذهنی

..... ۱-۲-۱۱. استنتاج به قصد بهترین تبیین

..... ۱-۲-۱۲. استدلال بیزی

..... فصل ۲: آگاهی

..... ۱-۲-۱. ماهیت آگاهی

..... ۲-۲-۲. مفاهیم آگاهی

..... ۱-۲-۲-۱. آگاهی موجودات

..... ۲-۲-۲-۲. آگاهی حالت‌محور

..... ۳-۲-۳. ویژگی‌های آگاهی

..... ۱-۳-۲-۱. خصوصیت کیفی

..... ۲-۳-۲-۲. ساختار پدیداری

..... ۳-۳-۲-۳. شخص‌بنیاد بودن

..... ۴-۳-۲-۴. سازمان خودمنظری

..... ۵-۳-۲-۵. وحدت

..... ۶-۳-۲-۶. حیث التفاتی و شفافیت

..... ۷-۳-۲-۷. پویایی آگاهی

..... ۴-۲-۴. اقسام آگاهی

- ۲-۴-۱. آگاهی پدیداری:
- ۲-۴-۲. آگاهی در دسترس:
- ۲-۴-۳. آگاهی نظارتی:
- ۲-۵. مسأله دشوار آگاهی
- ۲-۶. تبیین‌های آگاهی
- ۲-۶-۱. نظریه‌های غیرطبیعت‌گرایانه
- ۲-۶-۲. نظریه‌های طبیعت‌گرایانه
- ۲-۷. جمع‌بندی فصل دوم

..... فصل ۳: تقریر و بررسی برهان آگاهی.....

- ۳-۱. تقریرهای برهان آگاهی
- ۳-۲. تقریر قیاسی استدلال
- ۳-۲-۱. تقریر جان لاک
- ۳-۲-۲. نقدهای مکی به استدلال لاک
- ۳-۲-۳. نقد و ارزیابی
- ۳-۲-۴. تقریر مورلند
- ۳-۲-۵. نقدهای گراهام اوپی به استدلال مورلند
- ۳-۲-۶. نقد و ارزیابی
- ۳-۲-۷. تقریر رابرت آدامز
- ۳-۲-۸. نقد و ارزیابی
- ۳-۲-۹. جمع‌بندی تقریر قیاسی استدلال
- ۳-۳. استنتاج به قصد بهترین تبیین
- ۳-۳-۱. تقریر مورلند

.....۲-۳-۳. نقد و ارزیابی

.....۳-۳-۳. تقریر سوین برن

.....۴-۳-۳. نقدهای مکی بر استدلال سوین برن

.....۵-۳-۳. نقد و ارزیابی

.....۶-۳-۳. جمع‌بندی تقریر استدلال به شیوه استنتاج به قصد بهترین تبیین

.....۴-۳. تقریر بیزی

.....۱-۴-۳. تقریر مورلند

.....۲-۴-۳. اشکال و پاسخ

.....۳-۴-۳. نقد و ارزیابی

.....۴-۴-۳. جمع‌بندی تقریر بیزی

..... نتیجه‌گیری

..... منابع و مآخذ

چکیده

تبیین چرایی و چگونگی پیدایش آگاهی در جهان فیزیکی و نیز رابطه قاعده‌مند حالات ذهنی با حالات فیزیکی از دشوارترین مباحث فلسفی است که در فلسفه ذهن معاصر مورد توجه خاص قرار گرفته است. نگرش طبیعت‌گرایانه و فیزیکالیستی اغلب فیلسوفان ذهن باعث شده که این حوزه و به‌ویژه مسأله آگاهی بسیار پرچالش باشد. در این میان برخی فیلسوفان دین نیز با طرح فرضیه خداباوری به عنوان نظریه‌ای برای تبیین آگاهی و سایر مباحث ذهن-بدن استدلالی برای اثبات وجود خدا ارائه داده‌اند. آنها تبیین مبتنی بر شخص، یعنی خداباوری را در مقام گزینه رقیب تبیین علمی مطرح و استدلال کرده‌اند که از این طریق می‌توان تبیین خوب و مقبولی برای مسأله آگاهی و رابطه ذهن-بدن به دست آورد که از سایر تبیین‌های رقیب بهتر است. حال سوال اینجاست که آیا این ادعا صحیح است و استدلال آگاهی می‌تواند مطلوب خود را حاصل کند؟ برهان آگاهی در ساختار قیاسی و دو ساختار استقرایی بیزی و استنتاج به قصد بهترین تبیین طرح شده است. در صورت قیاسی استدلال شده که تبیین علمی ممکن نیست و باید به تبیین مبتنی بر شخص متوسل شد. در این صورت باید اثبات شود که نه تنها تا کنون تبیینی برای مسائل مورد بحث یافت نشده بلکه اساساً دستیابی به چنین تبیینی ممکن نیست. در استدلال استقرایی ادعا شده که تبیین ناظر به شخص از مسائل مورد نظر بهترین تبیین است و بر اساس خداباوری - در قیاس با طبیعت‌گرایی - وجود آگاهی و حالات ذهنی در جهان محتمل‌تر است. در این صورت باید برحسب برخی معیارها برتری تبیین خداباورانه اثبات شود. برهان آگاهی به تنهایی برای حل مسأله خداباوری کفایت نمی‌کند و حاصل آن تقویت فرضیه خداباوری است. به گفته فیلسوفان جانبدار این استدلال، صورت‌های استقرایی آن از نوع تأییدی بوده و بر احتمال نتیجه می‌افزایند و صورت قیاسی نیز از همین سنخ است و همگی آنها شاهد خوبی برای فرض وجود خالق عاقل، قادر و غایتمند فراهم می‌آورند، هرچند بعضی نقایص همچون فقدان جزئیات تبیینی را در آن نمی‌توان نادیده گرفت.

کلیدواژگان:

آگاهی، برهان آگاهی، اثبات وجود خدا، رابطه ذهن-بدن، خداباوری، طبیعت‌گرایی، فیزیکالیسم، تبیین علمی، تبیین ناظر به شخص

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱. کلیات

۱-۱-۱. بیان مساله:

وجود موجودات آگاه در جهان هستی، حقیقتی انکارناپذیر است که نیاز به تبیین دارد. تبیین پیدایش و وجود آگاهی در هستی، یکی از چالش‌های عمده پیش‌روی فلاسفه است که تاکنون پاسخ‌های گوناگونی برای آن طرح شده است. در سنت فلسفی معاصر در جهان غرب، عمده مباحث پیرامون آگاهی نزد فلاسفه ذهن مطرح است. فلاسفه ذهن معاصر عمدتاً رویکردی طبیعت‌گرایانه برای حل این مساله و یافتن پاسخ آن اتخاذ کرده‌اند و نظریه‌های گوناگونی از جمله کارکردگرایی، رفتارگرایی، این‌همانی مغز و ذهن و غیر آن را بر این اساس شکل داده‌اند. در این رویکرد، با انکار وجود هر گونه امر مجرد و غیرمادی، تلاش می‌شود در چارچوبی طبیعی و مادی، تبیینی برای وجود آگاهی ارائه شود. هیچ‌یک از نظریه‌های ارائه شده تاکنون در این زمینه موفق نبوده‌اند و مساله آگاهی همچنان چالش فلسفه ذهن است. اما برخی از الهی‌دانان، وجود خداوند را تبیین قابل قبولی برای پیدایش و وجود آگاهی می‌دانند. نظریه مزبور در قالب برهانی بر اثبات وجود خدا در حوزه تحقیقات فلسفه دین و الهیات ارائه شده است. این تبیین از وجود آگاهی مبتنی بر دوگانه‌انگاری نفس و بدن است و از این‌رو در مقابل انگاره‌های طبیعت‌گرایانه قرار دارد. موجودات آگاه دو بعد جسمی و روحی دارند که ویژگی‌های ذهنی، از جمله آگاهی، تماماً متعلق به بعد غیرمادی و نفسانی آنهاست. حامیان برهان آگاهی سپس استدلال می‌کنند که چون ماده فاقد توان برای خلق بعد نفسانی موجودات آگاه است، پس باید علتی ورای عالم مادی برای آن جستجو کنیم. این علت ایجاد کننده نفس، علت ارتباط آن با بدن خاص هر موجود آگاه نیز هست. برهان آگاهی به صورت قیاسی و استقرایی ارائه شده است.

۱-۱-۲. پرسش اصلی پژوهش:

با توجه به آنچه در بیان مساله گذشت، می‌توان پرسش اصلی پژوهش حاضر را به شکل زیر مطرح کرد:

برهان آگاهی چیست و چگونه وجود خدا را اثبات می‌کند؟

۱-۱-۳. پرسش‌های فرعی پژوهش:

۱. آگاهی به چه معناست و انواع آن چیست و چه تبیین‌هایی از آن وجود دارد؟

۲. مفاد برهان آگاهی چیست و چه تقریرهایی از آن شده است؟

۳. چه نقدهایی نسبت به این برهان مطرح است؟ و چگونه می‌توان به آنها پاسخ داد؟

۱-۱-۴. اهمیت مسأله و ضرورت تحقیق:

مساله آگاهی و سایر مباحث پیرامون آن، از جمله مهم‌ترین مباحث فلسفه ذهن معاصر است. این مباحث، همواره مورد توجه فلاسفه بوده ولی آنچه اهمیت آن در دوره معاصر را تأکید می‌کند، گرایش به مادی‌انگاری آگاهی و تبیین طبیعت‌گرایانه از آن است. حقیقت آن است که طبیعت‌گرایی - که مبتنی بر یگانه‌انگاری نفس و بدن است - تاکنون نتوانسته تبیین صحیح و قابل قبولی از مساله آگاهی ارائه دهد و این مساله به یکی از چالش‌های اساسی در فلسفه ذهن معاصر بدل شده است. در مقابل طبیعت‌گرایی، که چالش عمده‌ای نیز با نظام مابعدالطبیعی عقاید دینی پیدا می‌کند، دیدگاه بدیلی، به نام تبیین خدا باورانه، مطرح است که با اتکا به دوگانه‌انگاری نفس و بدن، ضمن استدلال بر وجود خدا، تبیینی از نحوه پیدایش آگاهی و مباحث پیرامون آن ارائه می‌دهد. پس اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر ناشی از دو جنبه است:

نخست مسأله وجود خدا که محور و مبنای اعتقاد و زندگی دینی است و دوم چالش

طبیعت‌گرایی در فلسفه ذهن معاصر که برهان آگاهی، پاسخی برای آن فراهم می‌آورد.

۱-۵. پیشینه پژوهش:

ریچارد سوین‌برن^۱، جیمز پارتور مورلند^۲ و رابرت آدامز^۳ از مقرران و مدافعان برهان آگاهی هستند. تبار این استدلال به جان لاک می‌رسد که از طریق وجود تفکر در بعضی اندام‌واره‌ها به وجود خداوند استدلال کرده است. این برهان خیراً مورد توجه برخی فلاسفه واقع شده است. گذشته از تقریر برهان و دفاع از آن در آثار فیلسوفان مذکور، برخی فیلسوفان نیز به نقد آن پرداخته‌اند که جان مکی^۴ و گراهام اوپی^۵ از جمله آنها هستند.

جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) فیلسوف انگلیسی تجربه‌گراست که در عالم سیاست نیز نامی پرآوازه است. مهم‌ترین نگاه‌شده فلسفی او کتاب *جستار در فهم بشر*^۶ است که در همین کتاب می‌کوشد از طریق وجود ویژگی تفکر در برخی اندام‌واره‌ها به وجود خدا برسد. لاک نخستین فیلسوفی است که مهم‌ترین کتابش را به موضوع فهم آدمی و گستره و حدود آن اختصاص داده است و کتاب مذکور از این جهت نیز حائز اهمیت است.^۷

ریچارد سوین‌برن فیلسوف انگلیسی متولد ۱۹۳۴ تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه آکسفورد به پایان رسانده است. علاقه اصلی او در دوران دانشجویی معطوف به مسائل اصلی فلسفه، موجه بودن باور به خدا و خصوصاً اصول اعتقادی مسیحی بوده است.^۸ او کوشیده با تکمیل و تنقیح برخی از براهین سنتی اثبات وجود خداوند و نیز ارائه تقریرهای جدید از این براهین نشان دهد که اعتقاد به خدا و باورهای دینی امری است که از طریق عقل می‌توان بدان دست یافت.^۹ برهان آگاهی در فصل نهم کتاب *وجود خداوند*^{۱۰} سوین‌برن مطرح شده است؛ کتابی که به گفته خود وی مهم‌ترین و جدی‌ترین نوشته‌اش در حوزه فلسفه دین است.^{۱۱}

1. Richard Swinburne

2. James Porter Moreland

3. Robert Adams

4. John Mackie

5. Graham Oppy

6. Essay Concerning Human Understanding

۷. فردریک کاپلستون، *تاریخ فلسفه*، ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم، جلد پنجم، چاپ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی و

سروش، ۱۳۸۲، ص ۸۵

۸. محمدجواد اصغری، *برهان تجربه دینی از دیدگاه ریچارد سوین‌برن*، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب،

۱۳۹۳، ص ۱۸

۹. ریچارد سوین‌برن، *آیا خدایی هست؟*، ترجمه محمد جاودان، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۱، ص ۸

10. The Existence of God

11. Richard Swinburne, *The Existence of God*, second edition, New York, Oxford University Press, 2004, P 1

جان مکی (۱۹۱۷-۱۹۸۱) فیلسوف ملحد استرالیایی تحصیلات خود را در استرالیا و انگلستان پی گرفته است و سپس در دانشگاه‌ها و مراکز علمی این دو کشور فعالیت علمی و درسی داشته است. او یکی از فیلسوفان تأثیرگذار در جهان انگلیسی‌زبان بوده و به‌ویژه در حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه دین از چهره‌های مطرح است که دیدگاه‌هایش همچنان مورد بحث و بررسی است.^۱ مکی یک فصل از کتاب *معجزه خدا/باوری* را به برهان مبتنی بر آگاهی اختصاص داده و تقریر لاک و سویین‌برن از این استدلال را به نقد کشیده است.

جیمز پارتر مورلند استاد ممتاز مدرسه الهیات تالبوت در دانشگاه بیولا در کالیفرنیا است. او مقطع کارشناسی را در رشته شیمی در دانشگاه میزوری^۲ به اتمام رسانده و سپس تحصیلش را در رشته فلسفه در دانشگاه کالیفرنیا در مقطع ارشد و دکتری پی گرفته است. او همچنین فارغ‌التحصیل حوزه الهیات دالاس^۳ است. وی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی متعددی سابقه تدریس دارد. مورلند در زمینه نگارش بسیار فعال است و کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته است.^۴ در خصوص برهان آگاهی یک کتاب مستقل با عنوان *آگاهی و وجود خدا*^۵ و چندین مقاله نگاشته است که در این پژوهش از تمامی این منابع استفاده شده است.

گراهام اوپی که به نقد استدلال مورلند پرداخته، استاد فلسفه دانشگاه موناش^۶ در استرالیا، صاحب کرسی در انجمن استرالیایی فلسفه و عضو آکادمی استرالیایی علوم انسانی است. او در دانشگاه ملبورن و دانشگاه پرینستون تحصیل کرده است و آثاری در حوزه‌های فلسفه زبان، زیبایی‌شناسی و فلسفه دین منتشر کرده است. همچنین سابقه همکاری با برخی نشریات فلسفی مثل *Australasian Journal of Philosophy*, *Philosophical Compass*, *European Journal for Philosophy of Religion* و نشریات دیگری را دارد.^۷ او در

^۱. برگرفته از پایگاه اینترنتی *Australian Dictionary of Biography* به نشانی ذیل:
<http://adb.anu.edu.au/biography/mackie-john-leslie-14214>

^۲. Missouri University

^۳. Dallas Theological Seminary

^۴. اطلاعات این قسمت برگرفته از وبسایت شخصی مورلند است؛ به نشانی زیر:
<http://www.jpmoreland.com/about/bio>

^۵. *Consciousness and the Existence of God*

^۶. Monash University

^۷. اطلاعات این بخش از وبسایت دانشگاه موناش برداشته شده است؛ نشانی دسترسی:
[https://monash.edu/research/explore/en/persons/graham-oppy\(56df12a9-07fb-451a-95e9-2311f089f113\).html](https://monash.edu/research/explore/en/persons/graham-oppy(56df12a9-07fb-451a-95e9-2311f089f113).html)

مقاله‌ای که در کتاب بحث درباره خدا/باوری مسیحی^۱ منتشر شده به نقد تقریر مورلند از برهان آگاهی پرداخته است؛ این کتاب مجموعه مقالاتی از فیلسوفان مختلف در دفاع و نقد خدا باوری مسیحی است.

رابرت مری هیو آدامز فیلسوف معاصر آمریکایی متولد ۱۹۳۷ در دانشگاه‌های پرینستون، آکسفورد و کُرِنل تحصیل کرده و در دانشگاه‌های میشیگان، کالیفرنیا و ییل سابقه تدریس دارد. آدامز در حوزه مابعدالطبیعه، فلسفه دین و فلسفه اخلاق صاحب نظر است و به ویژه مقالات او درباره مسأله شر و نظریه امر الهی بسیار تأثیرگذار بوده است. نکته قابل توجه درباره آدامز این است که با انگیزه‌های دینی وارد فلسفه شده است و وظیفه خود را این می‌دانسته که یکی از الهی‌دانان باشد؛ ولی تصریح می‌کند که اعتقادی به ترسیم مرز دقیق میان فلسفه و الهیات ندارد.^۲ او در مقاله‌ای با عنوان «رنگ‌ها، طعم‌ها و خداوند» به تقریر برهان مبتنی بر آگاهی پرداخته است؛ مقاله مذکور در کتاب دیدگاه‌های معاصر درباره معرفت‌شناسی دینی^۳ به چاپ رسیده که مجموعه مقالاتی از صاحب نظران و محققان حوزه فلسفه دین است.

به زبان فارسی مقالات زیر در این زمینه موجود است:

الف) مقاله‌ای با عنوان «برهان آگاهی» که ترجمه فصلی از کتاب عقلانیت خدا/باوری نوشته مورلند و با همین عنوان است؛ صالح افروغ آن را ترجمه کرده است و در نشریه هفت آسمان، شماره ۵۳، بهار ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است.

ب) مقاله‌ای با عنوان «بررسی استدلال آگاهی ریچارد سوئین‌برن بر وجود خدا و انتقادهای جی.ال.مکی بر آن» به قلم محیا رفیعی بندری و امیرعباس علی‌زمانی که در نشریه جستارهای فلسفی، شماره بیستم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ منتشر شده است.

ج) مقاله‌ای با عنوان «اثبات خدا از طریق آگاهی؛ بررسی تقریر مورلند» به قلم منصور نصیری در نشریه فلسفه دین، دوره دهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲ منتشر شده است.

^۱ . Debating Christian Theism

^۲ . منا موسوی، نظریه امر الهی آدامز، چاپ اول، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱، صص ۱۸ و ۲۰

^۳ . contemporary perspectives on religious epistemology

۱-۱-۶. نوآوری پژوهش:

بررسی مبسوط و مفصل برهان آگاهی به زبان فارسی برای اولین بار در این پژوهش صورت گرفته است.

۱-۱-۷. اهداف پژوهش:

پژوهش حاضر، طرح بحثی از فلسفه دین معاصر را برای اولین بار مدنظر دارد که به دلیل ارتباط با مباحث فلسفه ذهن و چالش عقاید دینی با آن حوزه، حائز اهمیت است و امید می‌رود که نتایج این بحث، برای سایر محققان حوزه فلسفه دین و فلسفه ذهن به کار آید.

۱-۱-۸. فرضیه‌های پژوهش:

۱. تبیین علمی قابل قبول و صحیحی از مساله آگاهی وجود ندارد و تبیین‌های طبیعت‌گرایانه از این مساله، مورد نقد جدی هستند.
۳. وجود خداوند تبیینی قابل توجه از پیدایش آگاهی و مباحث پیرامون آن ارائه می‌دهد.

۱-۱-۹. پیش فرض‌های پژوهش:

۱. در جهان هستی، موجودات آگاه - از جمله انسانها - وجود دارند.
۲. ممکن نیست آگاهی و سایر صفات ذهنی، بدون هیچ تبیینی در جهان پدید آمده باشند.

۱-۱-۱۰. نوع پژوهش:

این پژوهش، مساله محور است و در دسته تحقیقات بنیادی/نظری قرار دارد و میان‌رشته‌ای است.

۱-۱-۱۱. روش انجام پژوهش:

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

۱-۱-۱۲. روش گردآوری اطلاعات:

اطلاعات این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی تهیه شده است.

۱-۱-۱۳. سازمان‌دهی پژوهش:

این پژوهش در سه فصل تنظیم شده است:

در فصل نخست به تبیین مفاهیم و اصطلاحات تخصصی مرتبط با برهان آگاهی خواهیم پرداخت. در فصل دوم به آگاهی می‌پردازیم؛ ماهیت آگاهی، اقسام آگاهی و مسائل مربوط به آگاهی و نیز تبیین‌های مختلفی که برای چگونگی پیدایش آگاهی در جهان فیزیکی ارائه شده است. فصل سوم را به نقد و بررسی تقریرهای مختلف برهان آگاهی اختصاص داده‌ایم. ابتدا به دو رهیافت به مسأله آگاهی اشاره شده است: رهیافت نخست که به وجود حالات ذهنی در جهان توجه دارد و رهیافت دوم که رابطه ذهن و بدن را کانون توجه قرار داده است. سپس در قالب سه تقریر به بیان برهان آگاهی پرداخته‌ایم: یک تقریر قیاسی و دو تقریر استقرایی که عبارت است از استنتاج به قصد بهترین تبیین و استدلال به شیوه بیزی.

۱-۲. مفاهیم

۱-۲-۱. خدا^۱

در این پژوهش، واژه خدا دلالت بر خدای یکتاپرستان دارد و به این جهت در تقابل با خدای وحدت وجودی در اوپانیساده‌ها و نیز مفهوم خدا در الهیات پویشی قرار دارد.^۲ خدای توحیدی مورد اعتقاد پیروان سه دین ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام است و در بررسی برهان آگاهی به این مفهوم از خدا نظر داریم.

اما افزون بر این وصف، متشخص بودن^۳ خداوند، ویژگی مهم دیگری است که در تمایز اندیشه خدانشناسی توحیدی از خدای وحدت وجودی بسیار تعیین‌کننده است.^۴ این ویژگی در

^۱ . God

^۲ . مایکل پترسون و دیگران، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ دوم، تهران، طرح نو، ۱۳۷۷، ص ۹۷

^۳ . personal

^۴ . همان، ص ۱۰۸

برهان آگاهی نیز وصف تعیین‌کننده‌ای است. در تفسیر تشخص میان متألّهان اختلاف نظر وجود دارد و براین دیویس^۱ دو رهیافت عمده را در این زمینه با عنوان «خداشناسی سنتی»^۲ و «شخصی‌گرایی خداشناسانه»^۳ خاطرنشان می‌کند.^۴ محور این اختلاف بر بساطت خداوند در خداشناسی سنتی و نظریه مقابلش در شخصی‌گرایی خداشناسانه است.^۵ با صرف‌نظر از این اختلاف، خدای متشخص در مفهوم کلی خود دلالت بر موجودی غیر از دیگر موجودات دارد و لذا با وحدت وجود در اوپانیساده‌ها در تعارض است. مفهوم محوری علیت الهی در این باره موجب تمایز این دو رویکرد است.^۶

اما خداوند چند صفت اساسی دیگر دارد که به بحث از برهان آگاهی مرتبط است. سویین‌برن خداوند را شخصی می‌داند که «قادر مطلق، عالم مطلق و مختار مطلق است»^۷ او معتقد است که:

«تمامی صفات ذاتی دیگری که خداشناسی توحیدی به خداوند نسبت می‌دهد در هر لحظه از زمان از سه صفت قدرت مطلق، علم مطلق و اختیار مطلق ناشی می‌شوند»^۸

دو صفت علم مطلق و قدرت مطلق را نیز برخی فلاسفه دین دیگر از جمله اوصاف اساسی خداوند به حساب آورده و به جای اختیار مطلق، صفت خیر مطلق را نهاده‌اند.^۹ بعضی دیگر نیز دو وصف قدرت و علم را محور و مبنای درک انسان‌ها از خداوند قرار داده‌اند.^{۱۰}

^۱ . Brayan Davis

^۲ . classical theism

^۳ . theistic personalism

^۴ . براین دیویس، درآمبی بر فلسفه دین، ترجمه ملیحه صابری نجف‌آبادی، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۸۸، ص ۱۶

^۵ . رک: همان، ص ۲۶

^۶ . رک: دیوید پیلین، مبانی فلسفه دین، ترجمه گروه مترجمان، ص ۲۵۹

^۷ . ریچارد سویین‌برن، آیا خدایی هست؟، ترجمه محمد جاودان، ص ۳۲

^۸ . همان، ص ۳۶

^۹ . مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، ص ۱۱۰

^{۱۰} . چارلز تالیافرو، فلسفه دین در قرن بیستم، ترجمه انشاءالله رحمتی، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی،

۱۳۸۲، ص ۲۲۱

۱-۲-۲. برهان^۱

واژه برهان معادل واژه **argument** قرار داده شده است که به ساختار متوالی چند گزاره اطلاق می‌گردد که بعضی از آنها مقدمات و یکی نتیجه است و از مقدمات به آن نتیجه می‌رسیم.^۲ استنتاج در این معنا دارای مراتب است و لذا استنتاج قوی و ضعیف داریم.

واژه برهان در اصطلاح، قیاسی است که مقدمات آن منحصراً از قضایای یقینی یا از قضایایی که در تحلیل منتهی به بدیهیات شود، تألیف شده است. چون در برهان، مقدمات یقینی و ضروری است و نتیجه هم لازم مقدمات است، در صورتی که مقدمات به تألیف صحیح در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند، نتیجه هم بالذات و بالضرورة یقینی است. بنابراین قیاس برهانی شریف‌ترین نوع قیاس است و نتیجه‌اش کاملاً متیقن است.^۳

با این توضیح روشن می‌شود که برابر نهادن برهان و **argument** چندان صحیح نیست و واژه مناسب برای معادل آن «استدلال» است. برهان معادل واژه **proof** در زبان انگلیسی است. اما این تسامح در ترجمه‌های فارسی وارد شده و بسیار به کار می‌رود. در این پژوهش نیز به‌رغم استفاده از واژه برهان، مفاد اصطلاحی آن را در نظر نداریم.

۱-۲-۳. استدلال قیاسی^۴ و استدلال استقرایی^۵

استدلال به دو قسم قیاسی و استقرایی قابل تقسیم است و در تقریرهای برهان آگاهی نام هر دو قسم به چشم می‌خورد. استدلال قیاسی استدلالی است که صدق یقینی و قطعی به دست می‌دهد^۶ و ویژگی آن این است که اگر مقدماتش صادق باشند، نتیجه هم ضرورتاً صادق است؛ این معنا گاهی هم به این صورت بیان می‌شود که مقدمات استنتاج مستلزم نتیجه آن است. در مقابل، در استنتاج یا استدلال استقرایی مقدماتی داریم درباره چیزهایی که آزموده‌ایم، سپس بر اساس این

۱. argument

۲. Robert Audi (ed), *The Cambridge Dictionary of Philosophy*, Cambridge University Press, 1996, p 31

۳. محمد خوانساری، فرهنگ اصطلاحات منطقی، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶، ص

۴. deductive argument

۵. inductive argument

۶. پیتر گادفری اسمیت، درآمدی بر فلسفه علم، ترجمه نواب مقربی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

مقدمات، درباره چیزهایی که نیازموده‌ایم نتایجی می‌گیریم و در این صورت نتیجه قطعی و یقینی نیست و کاملاً ممکن است که مقدمات صادق به نتایج کاذب بینجامد.^۱

بنابراین، ویژگی استدلال قیاسی معتبر یا نامعتبر بودن آن است، ولی در استدلال استقرایی این موضوع مطرح نیست و منظور از آن رسیدن به نتیجه‌ای محتمل است.^۲

ریچارد سویین‌برن برهان استقرایی را به دو قسم تقسیم می‌کند: برهان استقرایی از نوع تأییدی^۳ و برهان استقرایی از نوع امکانی.^۴ برهان استقرایی نوع دوم برهانی است که نتیجه را محتمل می‌سازد، در حالی برهان نوع اول بر احتمال نتیجه می‌افزاید.^۵ برهان آگاهی به صورت استقرایی نیز تقریر شده و مدّعی سویین‌برن و نیز جیمز مورلند، که آن را تقریر کرده‌اند، این است که این برهان از نوع استقرایی تأییدی است.^۶

۱-۲-۴. تبیین^۷

اصطلاح تبیین، در معنایی عام و معنایی خاص به کار می‌رود. تبیین در مفهوم عام خود در جایی به کار می‌رود که می‌خواهیم چرایی یا چگونگی رخ دادن چیزی را بیان کنیم. در این معنا هر چیزی می‌تواند موضوع تبیین باشد، اما آنچه بیش از همه نزد فلاسفه مورد بحث واقع شده است، تبیین پدیده‌های جهان و اعمال انسان بوده است. تبیین پدیده‌ها غالباً با بیان علت آنها انجام می‌شود و تبیین رفتارهای انسانی نیز اغلب از طریق عقلانیت رفتاری تبیین می‌شود.^۸

اما در فلسفه علم در معنای خاص‌تری نیز به کار می‌رود. اصطلاح خاص‌تر تبیین تنها به چرایی امور می‌پردازد و در مقابل توصیف از چگونگی امور سخن قرار دارد.

بسیار مهم است که بدانیم چه انتظاری از تبیین داریم. برخی از فیلسوفان مثل استیس^۹ معتقدند علم وظیفه پاسخ‌گویی به چراها ندارد و وظیفه آن فقط توصیف است.^{۱۰} در مقابل، مورلند

^۱. سمیر آکاشا، *فلسفه علم*، ترجمه هومن پناهنده، چاپ اول، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷، ص ۲۴ و ۲۵

^۲. دیوید کانوی و راندل مانسون، *مبانی استدلال*، ترجمه تورج قانونی، چاپ اول، تهران، ققنوس، ۱۳۹۱، ص ۶۶ و ۷۷

^۳. C-inductive

^۴. P-inductive

^۵. Richard Swinburne, *The Existence of God*, P 6

^۶. Ibid, P 211 & J. P. Moreland, *Consciousness and the Existence of God*, first published, New York, Routledge, 2008, P 32

^۷. explanation

^۸. Robert Audi (ed), *The Cambridge Dictionary of Philosophy*, p 256

^۹. Walter Stace

^{۱۰}. والتر استیس، *برگزیده‌ای از مقاله‌های استیس*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ دوم، تهران، هرمس، ۱۳۸۰، ص ۱۶

معتقد است که تبیین‌های علی در علوم طبیعی باید نشان‌دهنده نوعی ضرورت علی باشند؛ یعنی نشان دهند که چرا از فرض شرایط علی مناسب، معلولی پدید می‌آید.^۱

۱-۲-۵. آگاهی^۲

واژه آگاهی را در این پژوهش معادل واژه *consciousness* قرار داده‌ایم. برای این واژه معادل‌های دیگری ذکر شده است؛ از جمله هوشیاری^۳، شعور، وجدان، بصیرت، دانستگی، ضمیر ذهن، وقوف و غیره.^۴

فیلسوفان واژه آگاهی را به یکی از چهار معنای ذیل به کار می‌رود:

معرفت به طور کلی^۵، حیث التفاتی^۶، درون‌نگری^۷، تجربه پدیداری^۸.

دو معنای اخیر مهم‌ترین معانی مورد بحث از آگاهی در فلسفه هستند. آگاهی درون‌نگرانه تنها در صورتی در ذهن فرد رخ می‌دهد که به واکاوی درون خود بپردازد (یا آماده به انجام چنین کاری باشد). درون‌نگری غالباً اظهار معرفت ابتدایی فرد از حیات ذهنی‌اش تلقی می‌شود.^۹ تجربه یا سایر حالات ذهنی تنها در صورتی «به لحاظ پدیداری آگاهانه» هستند که «کیفیت بودن به گونه‌ای» برای فرد را داشته باشند. واضح‌ترین مثال آن تجربه‌های ادراکی مثل چشیدن و دیدن یا تجربه‌های حسی-جسمانی مثل درد و رنج و تجربه‌هایی مانند آنهاست.^{۱۰} به نظر می‌رسد که آگاهی در این دو معنا خصوصی و اختصاصی [غیرهمگانی] باشد و همین مسأله محور بحث‌هایی در فلسفه ذهن شده است. در فصل دوم به تفصیل درباره مفاهیم آگاهی و مباحث پیرامون آن و نظریه‌های که برای تبیین آن ارائه شده است، سخن خواهیم گفت.

¹ J. P. Moreland, "The argument from consciousness", in *debating Christian Theism*, ed. J. P. Moreland & Chad Meister & Khaldoun A. Sweis, New York, Oxford University Press, 2013, PP 119-130, P119

² . consciousness

³ ریچارد سویین‌برن، *آیا خدایی هست؟*، ترجمه محمد جاودان، ص ۱۱۷

⁴ رک: ماری بریجانیان، *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی*، ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴

⁵ . knowledge in general

⁶ .intentionality

⁷ . introspection

⁸ . phenomenal experience

⁹ . Eric Lormand, "consciousness", in *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, (ED) Edward Craig, volume 2, first published, New York, Routledge, 1998, P 581

¹⁰ . Ibid

¹¹ . Ibid

References

- Afroogh, Saleh. "Argument from Consciousness." *Seven Heavens* 53.14 (2012).
[10.13140/RG.2.2.28091.34081](https://doi.org/10.13140/RG.2.2.28091.34081)
- Kim, J. (2001) Lonely souls: causality and substance dualism. In K. Corcoran (ed.), *Soul, Body and Survival*, 30–43. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Mackie, J. L. (1982) *The Miracle of Theism*. Oxford: Clarendon Press.
- Madell, G. (1988) *Mind and Materialism*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Martin, M. (1990) *Atheism: A Philosophical Justification*. Philadelphia: Temple University Press.
- Moreland, J. P. (1997) Naturalism and libertarian agency. *Philosophy and Theology* 10, 351–81.
- Moreland, J. P. (1998a) Locke's parity thesis about thinking matter: a response to Williams. *Religious Studies* 34, 253–9.
- Moreland, J. P. (1998b) Should a naturalist be a supervenient physicalist? *Metaphilosophy* 29, 35–57.
- Swinburne, R., 2004, *The Existence of God*, 2nd edition, Oxford: Oxford University Press.